

با من به قشم بیایید!

در امتداد یک خیابان برج‌های ۲۰ یا ۳۰ طبقه و در کنار ساحل یک هتل بین‌المللی جلب توجه می‌کند. بر فراز قشم راه‌آهنی را می‌بینیم که بر روی پلی عبور کرده است که بر روی تنگه کلارنس این عامل جدایی دیربای خاکپاره از سرزمین اصلی با هزینه "دموراهای یک ساله بسته شده است".

"مسافری محترم، هواپیمایی قشم اقامت خوشی را برایتان آرزو می‌کند ضمناً مدیران شرکتها، بازرگانان و تجار می‌توانند در فرودگاه فرم‌های درخواست دفتر کار، انبار، تلفن، فاکس و سایر خدمات را دریافت داشته و بلافاصله و حداکثر پس از ۲۴ ساعت در هر نقطه از برج‌های تجاری دفتر و تسهیلات لازم و در سایت‌های صنعتی زمین جهت احداث کارخانه و در قسمت انبارها انبار و سایر امکانات را دریافت دارند؛ درجه هوای قشم هم‌اکنون ۴۲ درجه سانتی‌گراد و رطوبت هوا ۶۷ درصد است."

"تا چند لحظه دیگر در فرودگاه قشم به زمین خواهیم نشست، لطفاً کمربندها را بسته و پشتی صندلی را به حالت اولیه خود قرار دهید".

در زیر پایم بخارهای متصاعد از آب‌جزیره قشم هویداست. در کنار اسکله "سوزا" نزدیک به ۵۰ کشتی عظیم کانتینربر و فله بر پهلو گرفته‌اند درون کشتی‌های فله‌بر، پر است از سنگ (شاید سنگ‌های معدنی) کمی آنسوی تر دودکش‌های کارخانه بزرگ فولاد با حلقه‌های دود خودی نشان می‌دهند، واگن‌های خسته اما مملو از بار، از کارخانه فولاد بیرون می‌آیند، جراثقال‌های عظیمی در حال بارگیری کشتی‌های کانتینربر هستند، دست راست دود حاصل از کارخانه پتروشیمی جزیره که حاکی از تبدیل هیدروکربن‌های دل زمین به فرآورده‌هاست ما را به مشاهده خویش می‌خواند. لیفت‌تراک‌ها در روی زمین همچون قوطی‌های کبریت اما متحرک از این سو به آنسوی در حرکتند.

اینجا قشم است

صدای منطقه آزاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

— نگاهش بر روی دوربین عکاسی خیره می‌شود. استغفرالله... ترا به خدا اینها را ننویسید، من سواد ندارم، اطلاع ندارم، همینجوری گفتم.

نزدیکی قلعه پرتغالیها رسیده بودیم که صدای چکاچک شمشیرها می‌آمد، مبارزه انفرادی هم شده بود، در هوای مه‌آلود بسیار چشم دوختم تا مبارزین را ببینم ولی در آن موقعیت حتی اگر استاندار و رئیس منطقه آزاد هم می‌آمدند قابل تشخیص نبودند. بالاخره وسیله دریایی به اسکله بهمن رسید و در مهیت دکتر میرعارفی قائم

می‌برند و در آنجا هر جفت از آنان را با ۱۰ الی ۱۵ هزار تومان سود می‌فروشند.

با هم دوست شدیم

— راستی با این لنج یا وانت دریایی یا... چه می‌کنید؟

— تدارک منطقه آزاد را انجام می‌دهیم.

— و حمل پول را؟

— بله.

— هر دفعه چقدر؟

— من که نمی‌شمارم.

— چند کارتن؟

حدود ۳۰ یا ۳۵ گونی می‌شود

با یک ناه‌خیر نه‌چندان دور از انتظار ده دقیقه‌ای پرواز ساها به بندرعباس رسیدیم. لحظاتی بعد در ساحل بندرعباس بودیم. سوار بر یک وانت دریایی (لندین گرافت) ساخته دست اصفهانیا شدیم و به راه افتادیم. در طول راه چندین قایق موتوری کوچک را دیدم که همچون فرقی آب را می‌شکافتند،

— چرا با این سرعت؟

— بز می‌برند، به دویی روزی ۶ تا ۱۰ قایق که هر کدام ۸ تا ۱۰ الی ۱۲ بز را از بندر عباس داخل لنج می‌اندازند به سوی دویی

مقام منطقه آزاد و یکی دو مشاور عالی و جدید و مسئول امور مالی پای به ساحل قشم گذاشتم. دو دستگاه اتومبیل سواری به همراه چند تن از کارکنان به استقبال آمده بودند.

در اتاق دکتر شمس نشسته بودیم که به اتفاق دکتر میرعارفی قائم مقام منطقه آزاد، دکتر عباس زادگان و مهندس مصحف مشاورین مطالبی در خصوص منطقه آزاد، و نظراتی پیرامون باور ملی، آرمان ملی و پروژه ملی مطرح شد.

"باید پارامترهای مختلف برای انتخاب مناطق آزاد بررسی شود".

و حال که قشم انتخاب شده است ظرفیت کار، گنجایش انجام کار (توسعه اقتصادی) و استعدادها نیز باید مورد تحقیق قرار گیرد. (آیا قبل از شروع کار نباید این تحقیقات صورت می گرفت؟)

آیا حتی یک حمام در این شهر بزرگ بی حمام ساخته شده است؟

یک مجتمع تحصیلی چگونه؟ یک هنرستان یا آموزشگاه که جوانها از سر کلاس درس مستقیماً به سوی دریا و حمل قاچاق هدایت نشوند؟

بنا به توصیه دکتر میرعارفی قرار شد تا فرا رسیدن وقت ناهار در معیت دکتر فاطمی گشتی در اسکله برنیم و اطلاعاتی کسب کنیم، دکتر فاطمی که مهندس سویل و با تحصیلاتی در این حدود و احتمالاً مسئول امور فنی هم بود در ابتدا ما را به اسکله برد، نگاهم که به لنج‌های لمبیده در کنار آفتاب افتاد، گزارش ویژه اولین شماره "گزارش" تحت عنوان واسطه‌گری در مناطق آزاد را به یاد آوردم در این بین نیز بخش‌هایی از مصاحبه درج نشده دکتر شمس را در ذهنم مرور کردم: "چند نفره من توصیه کرده‌اند مثل کیش تجارت جزء را شروع کنیم. اما من هرگز اجازه نمی‌دهم

اما در مورد قشم اگر چنین باشد. به خودمان لطمه زده‌ایم اگر قرار است چشم صنایع فولاد دنیا به اینجا دوخته شود. اگر... صدای دکتر فاطمی در گوشم پیچید: بندر بهمن را ترک ما ساختند و لایروبی آن به هلندی‌ها واگذار شد.

— یعنی یک کلاه ترکی بر سر سازمان بنادر؟ به آب شیرین‌کنها رسیدیم و اینکه یک آب شیرین‌کن کار می‌کند و بقیه آب شیرین‌کن‌ها تماشاگردن.

— چرا؟

برای اینکه سکوی‌های آبیگر بد ساخته شده‌اند.

— سازنده آن کیست؟

— شرکت دریایی.

طرح دریایی که در جهان ثبت شده است چگونه این سکورا بد ساخته است؟

— در جهان هر چیز را می‌توان به ثبت رساند آنها پول می‌گیرند و ثبت می‌کنند، طرح باید در عمل صحیح و کارساز باشد و برای کشور مفید و پربازده باشد.

— حالا چه باید کرد؟

— با خرید پمپهای دریل‌دار باید فعالیت تازه‌ای آغاز کرد

و حتماً "۳۰۰-۴۰۰ هزار دلار هزینه خرید پمپ برای یک طراحی غلط!

طهر در جمع دوستان و در میهمانسرای اجاره‌ای بودیم. دکتر میرعارفی که رئیس مجتمع دانشگاهی علوم دریایی بوده است اکنون نیز در سمت قائم مقام منطقه آزاد موقر و آرام و مستدل صحبت می‌کند، علاقه‌مند است که توسعه اقتصادی قشم با توسعه فرهنگی و اجتماعی همراه باشد. می‌گوید: "قشم قبلاً از پیکره ملی جدا بوده است، اکثر مبادلات با خارج بود و با شکل‌گیری منطقه آزاد ارتباط بسیار زیادی با پیکره ملی و کلیت جمهوری اسلامی ایران پیدا می‌کند."

دکتر میرعارفی صمیمانه تسهیلات لازم را فراهم کرد و امکان تهیه یک گزارش را در اختیار ما قرار داد. بعد از آن به فرودگاه رفتیم. یک گریدر در حال تیغ زدن و تسطیح و تعریض فرودگاه بود و چند کامیون نیز در داخل فرودگاه در حال کار بود و یک هواپیما که در شرایط ممنوعیت فرود، در این زمین خاکی نشسته بود.

بعد از فرودگاه به قصد تهیه گزارش به بازار درگهان رفتیم، مردم بسیار خونگرم و صمیمی مرسوم ترین پدیرایی آنها نوشابه‌های خنک خارجی بود، نگاه می‌کردم سیگار خارجی، لباس خارجی، کفش خارجی، ماشین خارجی، لوازم خارجی، پیراهن خارجی، کسرو و کمبوت خارجی، تلویزیون خارجی، کانال تلویزیون خارجی، در مواردی حتی زبان خارجی... دیدم هر قدمی که بر می‌داریم چند سنت به واسطه عرب می‌پردازیم و چند دلار به تجار امریکایی و ریالهای ایرانی هم که اکثراً در داخل کشور صرف... می‌شود. عصر سری به بازار

میوه زدیم، یکی از میوه‌فروش‌ها می‌گفت: "اگر شرکتها فعال شوند، کارگر و کارشناس



باید، چرخ کار بچرخه برای همه خوب است"

شب شده بود به میهمان سرا برگشتیم. در این بین صحبت از ساختمانی بود که طبق قرارداد به اجاره منطقه آزاد در



آمده است و حال که منطقه آزاد اجاره ساختمان را پرداخت، آن را تعمیر و مرمت کرده است، فرماندار از ادامه اجاره پشیمان شده است. داستانی است امانه داستان دو شهر بلکه داستان یک مویز و





چهل قلندر و همه غیربومی استاندار اصفهانی، فرماندار اصفهانی، تعدادی از کارمندان اصفهانی، امام جمعه اصفهانی، رئیس منطقه آزاد تقریباً "اصفهانی یعنی تقریباً" همه اصفهانی و باز هم اختلاف. یکی از مفازداران قشم می‌گفت: خدا را شکر که همه اینها کارمند دولت هستند، با یک حکم آمده‌اند و با یک حکم می‌روند، اگر حکم‌ها غیرقابل لغض بود چه می‌شد؟ صبح مجدداً با دکتر فاطمی راه می‌افتیم، وقت کم داریم و سؤال زیاد - تاکنون با چند شرکت خارجی برای مشارکت قرارداد بسته شده است؟ پنج کمپانی - کوبه‌استیل - فیات دو موسسه پتروشیمی و یک کمپانی کامیون‌سازی - دکتر، همین تجارت جزئی روزانه چقدر عایدی برای منطقه آزاد دارد؟

- من مطلع نیستم
به سنگ خوردم، راهم را عوض کردم
- در این مدت چه تعداد لنج تجاری اینجا پهلو گرفته‌اند؟
- ۱۵۰ - ۱۶۰ لنج
- از اولین لنج‌چرا ۱۷ میلیون تومان عوارض گرفته‌اید؟
- کالای زیادی با خود داشته است.



- معمولاً هر لنج به‌طور متوسط چقدر پرداخت می‌کند؟
- نمی‌دانم
- بین ۳ الی ۱۰ میلیون تومان رقم مناسبی است؟
- شاید باشد
- روزانه سه لنج تخلیه می‌شود
- تقریباً

- می‌شود گفت با توجه به دریافتی بابت کارت‌های بازرگانی، فروش یا در اختیار قرار دادن زمینها، عوارض تو میله‌های وارداتی و عوارض لنج‌ها در مجموع روزانه ۲۰ میلیون تومان درآمد دارید؟
- نمی‌دانم
- می‌دانید چقدر در ماه حقوق می‌گیرید؟
- نمی‌دانم.

- هوا خیلی گرمه در کلمن ماشین آب خنک هست؟
- بله

علاوه بر پرسنل منطقه آزاد قشم تنی چند از مردم نیز به ما محبت کرده و تسهیلاتی برای تهیه گزارش فراهم کردند، آقای رضوی نیز از جمله آنان بود. ساعتی بعد در دفتر آقای عبدالوهاب فقیهی، مدیر بازرگانی فقیهی بودیم.
دنیا دیده است، یک تاجر واردکننده کالاها ۱۱ سال سابقه تجارت، عمده‌فروشیهای وی روی پارچه، پوشاک و کفش متمرکز شده است.

- نحوه واردات کالا از طریق منطقه آزاد چگونه است؟
- یک کارت بازرگانی با ۹ ماه اعتبار گرفته‌ایم که مجوزی برای واردات محسوب می‌شود (به قیمت ۲۰۰ هزار تومان)
- آیا راهی برای ورود ارزانتر کالا وجود ندارد؟
- چرا در صورتی که خرید مستقیم از کره، ژاپن، چین، تایوان... انجام گیرد تقریباً ۳۰ درصد ارزانتر از نرخ فعلی خواهد بود.

- چرا سفارش مستقیم نمی‌دهید؟
- اولاً برای خرید باید L C بازکرد و گشایش اعتبار نمود. در قشم چنین مسئله‌ای امکان ندارد (در تهران هم باز نمی‌شود). در قشم مشکل پهلو گرفتن کشتی هم داریم، با همه اینها من چند ماه قبل به کره و تایوان و ژاپن رفتم و کالا سفارش دادم. البته این کالا در دوی به صورت ترانزیت

از کشتی بزرگ تخلیه شده و سپس در لنج‌ها بارگیری می‌شود، زیرا کالاها در کانتینر است و اسکله بهمین توان پذیرش کشتی کانتینربر و حتی معمولی هم ندارد. ولی در هر صورت با سفارش مستقیم کالای وارده به قشم ۳۰ درصد ارزانتر است، مثلاً "تلویزیونی که در ژاپن ۱۲۰ دلار است در دوی ۶۵۰ درهم است (حدود ۱۷۰ دلار) اما با سفارش مستقیم می‌توان همین واحد کالا را با ۱۲۵ دلار به قشم وارد کرد.

- آیا در منطقه آزاد قشم با مشکل مواجه نیستید
- از ریاست جمهور و مسئولین منطقه آزاد متشکرم، البته با توجه به اینکه در بندر آزاد دوی حدود ۳ درصد گمرکی می‌گیرند، در منطقه آزاد جبل علی ۴ درصد و در کیش ۵ درصد گمرک وصول میشود

اگر عوارض در قشم از رقم ۱۵،۱۰ درصد فعلی کمتر شود بسیار جای سپاسگزاری دارد. مهمتر اینکه منطقه آزاد قشم ورود آزادانه کالای مجاز را به قشم تضمین می‌کند، اما این کالا در قشم مجبور به ماندن است، تاجر شهرستانی هم حاضر نیستند جنس را در قشم خریداری کنند چون ماه مورین در اسکله بندر عباس آن را ضبط می‌کنند. در قشم هم امکانات نگهداری موجود نیست، در مواردی سرقت صورت می‌گیرد، کالا شکل استوک پیدا می‌کند. گرما موجب خرابی محصولات می‌شود.

- چه پیشنهادی دارید؟
- حال که تجارت به صورت قانونی انجام می‌گیرد ادامه کار را به صورت غیر قانونی در نیاورند، اسکله‌ای را در بندر عباس به اجناس منطقه آزاد اختصاص دهند، عوارض یا گمرکی بین یک الی ۲ درصد بگیرند و اجازه دهند اجناس قشم به بازرگانان سایر شهرستانها برسد، چرا که در هر صورت مصرف‌کننده این کالاها در تهران، شیراز، اصفهان و... هستند و این کالا باید به دست آنها برسد و وجود قید و بند فقط باعث گرانی قیمت احتمال دارد باعث شیوع رشوه و تحمیل آن به مصرف‌کننده جز بشود.

بعد از شنیدن داستان نماینده یک شرکت خارجی که هنگام ورود به قشم بعد از گردش کوتاهی گفته بود اینجا نه برق است نه آب نه آبدادی و از دادن نمایندگی به قشم رخصت خواسته بود ما هم از آقای فقیهی رخصت خواستیم.
تاجر بعدی آقای اسلامی بود یک ماشین

هوندا صفر کیلومتر را کند نازم می کند
بود به ما نشان داد.

ماتین امحا زندانی است، حق ندارد
سرور، سرورم، به سوره می کشد به اجازه تردد
می دهند حد فایده آدم کار کنند وای رفا
نداشته باشد و حتی آب و برق نیست، جاده
نیست... بعد از آن رفاه به جز پیش
ماشینی همه چیز خارج می بود از دستمال
کاغذی و پیراهین و کولرکتری گرفته تا یوار
هندی و دستر.

آقای اسلامی تکلم می بود که در این
پارسی (تالابی وارداتی) ضرر کرده است
چهل و هشت میلیون تومان خرید کرده،
پس از یک ماه سودگویی حاصل بود اجناس
را با ۸۰۰ هزار تومان ضرر دیده شد.
می گفت: اقا بسک، هر دو سرخ که
نمی شود، چرا کیش و دره می گیرد اینجا
۱۵ درصد سود، در آنجا بین المللی است.
تکلم می کرد از کساوران حوالی
بخش رمان، قسم از روسای کاروان بود و
احتمالا برای فروش مجدد آن به قسم آمده
بود.

می گوید: در ۱۱ خرداد ۶۴ گوسفند
دارم و کساورزی می کنم.
جوسف کمالی نیز در یک کسار زمین با
آب شرب (السنور) به دست آورد، سبزی
و مرغی برداشته بود و از مشکل حل و فصل
و هرانی راه نماند می کرد.
میزبان می کشان، کار و بار شده بود
آقای اسلامی از رفتن به استخبارات آمد
توجه از موفقیات فعالیت تجارت، آرامی
بود اما از اینکه جانش سالم است رضایت
داشت.

"قبلا همین کار را می کردیم (حمل
کالای خارجی به قسم) اما با نرسو لرز
پنهان کاری، فکر می کنم، بیش از ۶۰۰ نفر
فشمی در اثر حمل اجناس در زمان ممنوعه
الورود بودن آن کشته شدند اما حالا
جانمان سالم است بحار بزرگ هر ماه ۴ الی
۵ فروند و بحار کوچک ماهی یک فروند
لنج می آورند."

عصرگاهان خسته از گیهای خودمانی
و اکثرا "شکوه آمیز به شهر برمی گردیم تا
حالا توجه نکرده بودم اما حالا می فهمم
در این دو سه روز در اکثر مغازه ها صبح
و عصر بسته بوده است علت را حویا می شوم
- اینها مغازه نیست انبار نوشابه
است.
- یعنی از زمان شاه انبار نوشابه بوده
است؟

با شایع شدن توفیق لنجها کمتر تردد
می کنند، دیگر مجوز نمی دهند، مجوز تا ۲

سه در همین چند ماه شده.
- را نوسانه را نمی فروشد
- باو کتری از سرخ کالا از قسم بد
بند، عباس و ایران شدن بخش در اوبی.
- با لاجره که چی

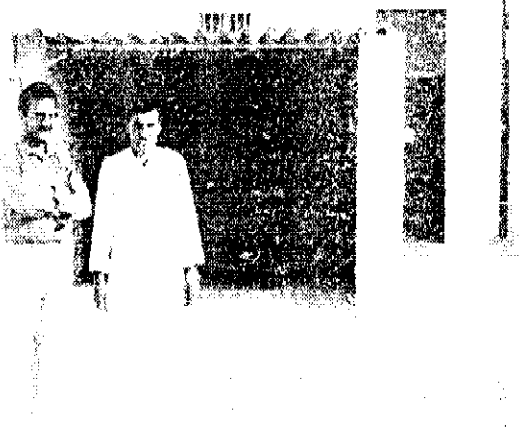
تجاری اگر "کار" کار امرا جالبی شده یا
فردی آنها می توانستند از زیر آنها راه
افتاد داشت.

هنگامی که از مردم در باره مذهب
می پرسد، حجتی شیخ جوی را ستایه می روند.
شیخ جوی با یک مدرسه علمیه و درها و
ستوسپاسی تماما به رنگ زرد اوسمیل زرد
(می گوید این رنگ را اختاوست دوست دارد)
و با مدیریت مدرس و تحصیل حدود ۱۰۰
طلبه روزگار می گذراند، در بدو ورود ناگهانی
خویش با چند طلبه مواجه می شویم که در
حال پساک کردن مزرعه از علفهای هسز
هستند، یکی از طلبه ها را مورد خطاب قرار
می دهیم، چرا کار می کنید؟ طلبه باید درس
بخواند.

- درس و علم تزکیه نفس است و کار
مستقل جسم
استاد چه می کند
- در گوشه دیگری از مدرسه فعالیت
می کند.

شیخ جوی با ردای سفید و بسیار
خونسرد و آرام اما سربان و بدبوی سر
می رسد پس از قدری گفتگو را محبوسیت
شیخ را بزد می دانند، در می بینیم جزء معدود
کسانی است که سریع دعاوت می کند، به
کسی بهشتان نمی زند، ظرف مقابل را نیردر
حکم و نظر صادره سربک می کند، عجله ای
برای دست بسر کردن ندارد و تشریفات
زائد هم قایل نمی شود. رضایت خود را از
صحبت با خبرنگاران یک نسر به پنهان
نمی کند "از دولت جمهوری اسلامی و از
رئیس جمهور تشکر می کنم که در فکر اهل
سنت در منطقه هستند، از همه چیز راضی
هستم."

به درگاهان باز می گردیم، عبدالله
دریایی مغازه داری است که با ما طرف صحبت
می شود. "آقا من فکر می کنم اینجا منطقه
مازاد است نه منطقه آزاد. چه منطقه آزادی
که آب ندارد، بهداشت و رفاه ندارد، چه
فایده که تعداد انگشت شماری تاجر استفاده
ببرند و ۶۰ هزار نفر در محرومیت باشند
تا کی فشمی ها باید مخارج رفاه تهرانی ها
را فراهم کنند؟ کی اینجا می خواد آباد بشه،
تازه همین چند لنجی که هر روزه می آمدند



میلیون تومان خرید و فروش می شود، باز
هم مردم به سمت قاچاق می روند بگذارید
چنین شود." می گذریم، به خانه ای وارد
می شویم، تاجر دیگری که از ورود ناگهانی
ما قدری جا خورده است حیرا " ما را به



اتاق بیرونی که اتاق کارش است دعوت
می کند بسیار سرزده رفته بودیم. همراه ما
می گوید دولتی نیستند
- اوضاع چطور است؟
- زیر لب می گوید بیاید ببینید، و



بلند می‌شود، ۳ اتاق گلی با اجناس تپانده شده، حتی جای نفس کشیدن یا گشتن برای کالایی نیست.

چرا چنین کرده‌ای؟

۵۵۰ میلیون تومان جنس است از دویی آورده‌ام، به قیمت خودش هم نمی‌برند اگر از قشم خارج شود در بندرعباس ضبط می‌کنند. منطقه آزاد ۲۵ میلیون تومان در دو سه نوبت از من گرفته است تا اجازه ورود اینها را بدهد خوب تا اینجا که سالهای قبل هم به هر شکلی بود می‌آمد. همان کیش که همه بدش را می‌گویند اولاً اینقدر گمرکی نمی‌گیرند ثانیاً سود منطقه



آزاد در هر جنسی از سود کارخانه سازنده‌اش هم زیاده‌تر است، چرا باید ۱۵ درصد، ۲۵ درصد، ۳۷ درصد و ۵۰ درصد گمرکی بگیرند و تاوانش را مصرف‌کنندگان بدهند، اسکله درست حسابی و حرفه‌ای برای کشتیهای بزرگ وجود ندارد تا کشتیهای تجاری بزرگ مستقیماً و از مبدأ جنس بیاورند، با لنج هم که می‌آوریم فاکتورهای ما را قبول نمی‌کنند از طرف دیگر دانشجویان دانشگاه امام صادق را آورده‌اند اینجا کار گمرکی کنند. راستی اگر در دانشگاه امام صادق همه رشته گمرک می‌خوانند آیا همه به عنوان "ارزیاب اجناس وارداتی" فارغ‌التحصیل

می‌شوند. یک ماه است اجناس من اینجا انبار شده، گمرک هم داده‌ام شما بگویید چه کنم؟

"نگذار خارجی‌ها بیایند. ببینیم با این برخوردها و خدمات منطقه آزاد چند روز اینجا ماندگار می‌شوند." شب شده است به مهمانسرا می‌رویم.

دکتر میرعارفی مشغول بررسی است، مسایل یکی دو روز گذشته عادی نبود برخوردها و اتفاقات حادث شده و یک منطقه آزاد با آن همه نام و نشان که وقتی در تهران به آن فکر می‌کنی انتظار داری دهها کارشناس و متخصص، صدها کارمند و کارگر، طراح و نقشه‌کش و چند بتونیر ۱۰ چرخ و یکی دو هلی‌کوپتر و... را در قشم در خدمت داشته باشد اما در قشم... دکتر شمس معتقد است فعلاً "زمان شروع کارهای اجرایی فرا نرسیده است. کارشناسان و برنامه‌ریزان مشاوران و مشاوران همگی در معادن سنگر گرفته‌اند که حتی به میدان فاطمی هم نزدیک نیست چه رسد به جزیره قشم. امید را از دست نمی‌دهیم. دکتر میر عارفی بخشی از قول‌های دکتر شمس را تکرار می‌کند "دانشگاه بین‌المللی چهارسال دیگر، منطقه صنعتی تجاری ۴ سال دیگر... چهار سال دیگر؟"

یک روز شیخ نحوی روحانی اهل سنت ما را دعوت می‌کند.

می‌گوید: "وقتی جمعیت جزایر جنوب را بررسی کنید می‌بینید که این جمعیت رو به کاهش است، اگر می‌روند می‌گوییم جزایر استراتژیک و حائز اهمیت را خالی کرده‌اند، اگر می‌مانند حتی آب‌خوردن هم ندارند" - شیخ هسته‌گریخته‌بعضی‌ها از وهابیت صحبت می‌کنند و اینکه شاید شما طرفداری از وهابیت می‌کنید؟

- من وهابیت را رد می‌کنم، به نظر من وهابیت ضداسلام است چرا که ائمه‌اربعه را قبول ندارد وهابیت تنها اطاعت پیغمبر را قبول دارد درحالیکه ما اطاعت و احترام پیامبر را واجب می‌دانیم آنها مولود خانی را قبول ندارند نه من با وهابیت نسبتی ندارم.

- آیا از وهابیون کمکی برای مدرسه یا طلاب دریافت نمی‌کنید؟

ما کمک نمی‌گیریم چون آنها را قبول نداریم، شاید آنها که چنین می‌گویند، خودشان کمک می‌گیرند. احساس می‌کنم شیخ نحوی قدری دل‌آزرده شده است،

خانه شیخ در جوار مسجد است، شیخ در ایران (در قشم) سه خانه دارد، دو خانه زمستانی، یک خانه تابستانی و همه زرد، راه می‌افتیم.

با رئیس آموزش و پرورش، رئیس بهداشت و درمان و تنی چند از جوانان صحبت می‌کنیم.

سه جوان که پس از پایان تحصیل و سربازی مفاز به لوازم ساختمانی و بهداشتی به نام الکتریکی خورشید دایر کرده‌اند ساعتی از شب را میزبان ما هستند باروزبهی و دوستانش صحبت می‌کنیم چند نفر دیگر از اهالی قشم نیز در این بحث شرکت می‌کنند. در مجموع جوانان قشمی از نبودن تفریح برای جوانان گله دارند و دلیل اصلی معناد شدن پسرها را بیکاری ذکر می‌کنند، بهترین وسیله تفریح و تفریح جوانان نیز مثلاً سفانه تلفن است شماره که می‌افتد دختران و پسران بی‌کار و تقریباً بی‌هدف و سرگردان در دو سوی سیم و...

"در جنسی منطقه‌ای که راه به جایی ندارد باید آنقدر کلاسهای آموزشی، مکان تفریحی، سرگرمیهای سالم ورزشی (بیک سالن تربیت بدنی با محلی برای بسکتبال و والیبال در قشم وجود دارد) سالن - کتابخانه، سینما، هنرستان،

آموزشکده باشد که جوانها وقت کم بیاورند بلکه دولت باید برای سرمایه‌های آینده‌اش سوبسید بدهد، مسلماً جوانی که آن طرف خیابان در حال سیگارفروشی و احياناً "هروئین فروشی" است سرمایه ۲۰ ساله ایران است او می‌تواند محاسبه‌گر یا برنامه‌ریز کامپیوتر باشد. او باید مدیر یک کارخانه یا موسسه باشد، دولت از زمان تولد تا امروز برایش خرج کرده است و امروز شاهد ناپدیدش است." یکی می‌گوید "اینجا بسیاری از مردم را دلال و واسطه‌بار آورده‌اند، بدون برنامه‌ریزی و تفکیک اراضی، از هزاران نفر وجه دریافت کرده‌اند تا زمین در اختیار آنان قرار دهند فکر می‌کنم حتی ۱۰ درصد آنها برای تولید یا خدمات این زمین‌ها رانمی‌خرند بلکه برای گران شدن می‌خرند."

باید عجله کرد. در مسیرمان به یک‌بازارگان دیگر برمی‌خوریم. اگرچه بازارگان زده‌شده‌ایم اما سرنوشت بازارگانان به شدت با منطقه آزاد گره خورده است. منطقه آزاد در گیر سیاستها شده و این بازی‌ها اصلاً برای کارخانه تولید منسوجات در کره یا کشتی کانتینربر لنگر انداخته در حمل‌علی‌یا

تاجر اعتباردهنده در دویی قابل درک نیست. از طرفی هرچه می‌گردیم نه از پیاده کردن طرح‌های بزرگ صنعتی و نه احداث واحدهای بزرگ تولید و نه دفتر و دستک یک شرکت خارجی، از هیچ اثر ملموسی خبری نیست.

آقای حسینی قسمی می‌گوید

"تجارت را زمانی آغاز کردم که ۱۰۰ تومان برابر ۶۰ درهم دویی بود، قبل از انقلاب ۱۰۰ تومان به ۴۰ درهم رسید و قبل از جنگ ۱۰۰ تومان معادل ۱۹ درهم دویی بود، جنگ که شد معادل ۱۶ و ۱۷ درهم و اکنون ۱۰۰ تومان فقط ۲/۵ درهم است و ۶۰ درهم ۲۴۰۰ تومان" وی به درایت شمس و دکتر میرعارفی دل بسته است، معتقد است مسئولین منطقه آزاد مشکل را حل می‌کنند اما نمی‌تواند با همین دل بستگی سرمایه‌گذاری کند. از درصد ریال گمرک نیز گله‌مند است. شرکت ایران قشم نیز از جمله سفارش‌دهندگان مستقیم کالا است تا از کره و چین کالای بدون واسطه وارد کند. مدیر شرکت می‌گوید مطمئناً "۳۰ درصد ارزانتر است اما وسط راه کشتی کانتینربر باید لنگر بباندازد، کانتینرها تخلیه شوند و داخل لنج‌ها بار شوند. از دفتر شرکت خارج می‌شویم برای بار آخر گشتی در شهر خاموش و جزیره غنوده

در آغوش دریا می‌زنیم پشت دفتر اسکله یک وانت سوخته نوحهم را جلب کرده بود، اینبار پرسیدم. این دیگر چیست؟
- ماشین رئیس ارزیابهای منطقه آزاد است.

- چرا به این حالت درآمده؟

- آتش گرفته، البته ماشین بعدی هم شیشه‌اش شکسته شده.

صبح سراغ آقای یوسفی سرپرست واحد ارزیابی را می‌گیریم در مسافرت است آقای تعویضی جانشین ایشان است، چند سوال می‌کنم، جدی برخورد نمی‌کند.

- اداره ترخیص در چه تاریخی شکل گرفت؟

- همزمان با ورود اولین لنج

- چگونه کار را شروع کردید؟

من و آقای یوسفی برای برآورد بودجه آمده بودیم، یک روز دیدم مجوز ورود لنج صادر شده است روز دیگر رنگ‌زدند که لنج لنگر انداخته، ما هم شروع کردیم.

تا حال ۲۰۰ لنج تجاری وارد قشم شده است؟

- شاید

باز هم مردد هستم که آیا این نغض همان اصل تجارتنی نکردن قشم نیست چرا نباید این ۲۰۰ لنج قطعات کارخانجات و ماشین آلات را با خود بیاورند.

- معمولاً چه وارد می‌کنند

- حداکثر ده قلم جنس مجاز

- تجار می‌گویند تعرفه زیادی می‌گیرید

و سود شما حتی از سود کارخانه تولیدکننده بیشتر است؟

- من هم زمانی که می‌خواهم از گمرک

رد شوم دلم می‌خواهد کمترین گمرکی را بدهم.

- درآمد روزانه قشم به‌طور متوسط چقدر است؟

- باید (رئیس) اجازه بدهد تا بگویم

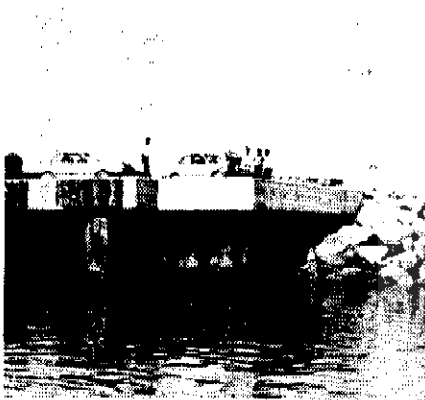
- در مجموع آیا ۲۰ میلیون تومان در

روز می‌شود؟ آیا این رقم برای شروع بعضی از طرحهای عمرانی کافی نیست؟

کشتی منتظر شماس است، بلیط هواپیما به

مقصد تهران هم که بسیار بد گیر می‌آید.

- بله، متوجه شدم. خداحافظ.



پژوهش بادهای تغییر

پرتال جامع علوم انسانی

زمانی یک منطقه آزاد تجاری یا صنعتی می‌تواند مفید باشد که به جز ارزآوری و ایجاد اشتغال، به عنوان کانال سرایت این سیاست به داخل سرزمین اصلی نیز عمل کند. دو کشور کره و تایوان نمونه‌های موفق در این زمینه هستند.

استراتژی جایگزین واردات در ایران

از ابتدای ورود صنعت به ایران به علت عدم وجود برنامه مشخص توسعه، با تغییر یک دولت یا مصائبی مانند جنگ و یا گرایش

را برگزیدند و با ایجاد مناطق آزاد تجاری صنعتی و تسهیلات و معافیت‌های گمرکی مالیاتی سعی در جذب سرمایه‌هایی کردند که به علت مسئله محیط زیست، بالا بودن دستمزد و مالیات‌ها و نزدیکی به بازارهای مصرف از کشورهای صنعتی خارج می‌شدند.

مناطق آزاد، کاهش دخالت دولت

یکی از ویژگیهای مناطق آزاد وجود سیاست اقتصاد آزاد و کاهش دخالت‌های دولت‌ها در امور اقتصادی این مناطق است،

استراتژی جایگزینی واردات را که شاید بتوان به عنوان یکی از میراث‌های بانداوگ به حساب آورد نزدیک به سه دهه بعد از جنگ جهانی حاکم بر مقدرات اقتصادی کشورهای در حال توسعه بوده است، در اواخر دهه ۶۰ به علت کارا نبودن این سیاست، کشورهای در حال توسعه به دنبال راه‌های جدیدتری رفتند و پا به پای کشورهای غربی به دلیل نیاز به کسب درآمدهای ارزی، ایجاد اشتغال برای جمعیت رو به رشد و جذب تکنولوژی سیاست توسعه صادرات